

اندیشه های قرآنی علامه عسکری در کتاب القرآن الکریم و روایات المدرسین

علی صادقی

عضو حلقه علمی قرآن

آذر ۸۶

چکیده

علامه سید مرتضی عسکری دارای تالیفات فراوانی به زبانهای عربی و فارسی است. او افزون بر بررسی کتب شیعه با تکیه بر کتاب و سنت، احادیث و روایات اهل سنت و یا به قول علامه مکتب خلفا را نیز در آثار خود مورد بررسی قرار داده است، به گونه ای که این آثار مرجع و منبعی قابل اعتماد برای آنان به شمار می رود و کوششهای علامه عسکری برای مصون ماندن اسلام از تحریف مورد تقدیر هر دو مکتب قرار گرفته است.

اکثر آثار علامه عسکری در کشورهای عربی بخصوص در کشور مصر منتشر و مورد استقبال اسلام پژوهان قرار گرفته است همچنین برخی آثار علامه به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

از ویژگیهای کتابهای علامه بیان روشن و نثر روان آنهاست که خواننده را به لوای خود فرا می خواند در ذیل به منظور آشنایی و بهره گیری خوانندگان گرامی برآنیم به بررسی یکی از مهمترین کتابهای ایشان یعنی القرآن الکریم و روایات المدرستین بپردازیم و اندیشه های وحدت آفرین وی را در عرصه قرآن کریم پی جویم و با انگیزه مولف و خطوط کلی کتاب و روش تحقیق آن و نقاط قوت و ضعف آن آشنا شویم موضوع اصلی کتاب در کتاب الشیعه و القرآن احسان الهی و به تبع آن فصل الخطاب میرزا حسین نوری در عرصه تحریف قرآن است که شخصیت جامع علامه عسکری آن را به شاهکار در عرصه علوم قرآنی از منظر شیعه بدل کرده است.

گفتنی که رویکرد وحدت آفرین علامه در کتاب باعث شده تا به جای اصطلاح شیعه و سنی از عنوان وزین مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفا استفاده کند که بتواند از این طریق در بین امت اسلامی روحیه همدلی و همگرایی را تقویت کند.

کلید واژه ها: القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری فصل الخطاب، الشیعه و القرآن، تحریف قرآن، روش شناسی.

هدف مؤلف از تالیف این اثر، پاسخ گویی به شبهات پیرامون باورهای شیعی و رفع پاره ای تناقض ها در منابع حدیثی و تاریخی درباره قرآن است.

وی در مقدمه جلد اول یادآوری کرده که قرآن چنان مستحکم و استوار یافته که هیچ دلیل و ضرورتی نمی دیده تا درباره آن به پژوهشی جدید دست یازد اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنگ روانی شدیدی علیه آن به راه افتاد. مخالفان و دشمنان انقلاب اسلامی و تشیع راه چاره را برای رویارویی با اندیشه های تشیع در این دیدند که برای تضعیف آن، بر ضد خط اهل بیت قلع فرسایي کنند. از این رو فراوانی تبلیغات مسموم بر ضد شیعه، نویسندگان را بر آن داشته که نویسندگان در دفاع از حقیقت قرآن و دیدگاه و باورهای شیعه پیرامون آن به پژوهشی در خور و مناسب روی آورد.

وی در نگارش اثر خود دو کتاب را محور تحقیق و بررسی قرار می دهد فصل الخطاب میزا حسین نوری (۱۲۵۴-۱۳۵۰ ق) و الشیعه و القرآن احسان الهی ظهیر، دلیل چنین انتخابی این بود که بنابر باور مؤلف هر یک از دو نویسنده در صدد در مدرسه دیگری بوده و در نتیجه در این نزاع فرقه ای، به قرآن خسارت زده اند که علامه عسکری با عنایت به اندیشه وحدت اسلامی با پاسخ گو به شبهات مطرح شده در این دو کتاب بستر اختلاف را برچیده است.

او در جلد سوم کتاب که عقاید هر دو نویسنده را به بررسی می نشیند به منظور تبیین هدف خود در مقدمه چنین می آورد:

بیش از پنجاه سال است که گفته و نوشته است که:

فزون بر هزار سال است که تاریخ نگاران از سبانیه و عبدالله بن سبأ کارهای شگفت آور و خطیری گزارش می کنند.

و امروز هم می گویم و می نویسم:

دوازده قرن است که حدیث نگاران درباره قرآن کریم روایت های تکان دهنده و خطیر روایت می کنند.[□]

نگاه گذرا بر کتاب

کتاب همان گونه که پیش تر گفته شد، در دفاع از حریم قرآن نوشته شده است موضوع اصلی کتاب بررسی شبه تحریف است ولی در حفظ و تثبیت جایگاه قرآن کریم از سایر مباحث نظیر تاریخ ادبیات، حدیث، رجال و ... بهره برده است.

کتاب در سه جلد تنظیم شده است.

جلد نخست آن که مباحث مقدماتی را در بر می گیرد. درباره جامعه دوران جاهلیت، تاریخ قرآن، سوره های مکی و مدنی، جامعه اسلامی دوران رسول الله، نزول و تدوین قرآن، و اصطلاحات قرآنی است.

□ - عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج 3، ص 7

جلد دوم درباره تحریف در شرایع پیشین، روایات مربوط به بسمله، جمع قرآن و تناقض روایات آن، نزول قرآن بر هفت حرف، اختلاف قراءات، نسخ و؟؟ در قرآن، ویژگی های جامعه اسلامی در دوران خلفای؟؟ شرین، امویان و عباسیان اخبار قرآن و سنت در عهد رسول الله و در نهایت شرق شناسان و قرآن به بحث می نشیند و هدف اصلی این جلد همان گونه که از عنوان روی جلد: «القران الکریم و روایات مدرسه الخلفا» پیداست این جلد اختصاص به تبیین نظرگاه مکتب خلفا پیرامون قرآن کریم است. جلد سوم: عمدتاً حاوی تحلیل و بررسی روایت های تحریف قرآن است که شیخ نوری و احسان الهی ظهیر در کتابهایشان بدان استناد جسته اند و این جلد نیز همان که عنوان آن مناقشه ما زعمه احسان الهی ظهیر «الف حدیث شیعی فی تحریف القرآن» و بیان زیف ما ادعاه- پیداست به هدف پیراستن ساحت مدرسه اهل بیت از لوث شبهه تحریف است.

اکنون به بررسی تفصیلی کتاب می نشینم تا نظرگاه وحدت قرآن علامه عسکری را پیرامون قرآن پی گیریم. بررسی تفصیلی کتاب؛ آشنایی با نگاه وحدت آفرین علامه در عرصه قرآن از مطالعه جلد اول القرآن الکریم و روایات المدرستین بر می آید که:

۱- با بررسی ساختار نظام قبیله ای عرب جاهلی از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی حکمت نزول اعجاز آمیز قرآن کریم را به خوبی تبیین می نماید و در عرصه تأثیر ادبیات در عصر جاهلی می فرماید: از مهمترین ویژگی های عرب جاهلی توجه به کسب وجهه و گسترش فضایل قبیله ای بود و در این میان در بین آنان تأثیر ویژه ای داشت.

و از این رو قریش به اعشی شاعر ۱۰۰ شتر دادند که در مدینه به پیامبر پیوند و مسلمین را با شعر خودش یاری نرساند، چون از تأثیر قاطع و مانای هجو واهمه داشتند.[□]

روی همه

عرب جاهلی شیفته ادبیات در عرصه نظم و نثر بود و از حافظه خود به منظور ثبت و ضبط قصیده های دل انگیز و خطبه های بلیغ که برایش تازگی داشت بهره می جست و این دو ویژگی آنها را از سایر انسانها ممتاز می ساخت این مساله چنان آنها را مسحور خود کرده بود که پیوسته در ماههای حرام در بازارهای موسمی خود در اطراف مکه جمع می شدند و شاعران با خواندن سروده خود به مسابقه می پرداختند و حاضران آنچه را شنیده بودند به گوش قبیله خود و سایر قبایل مسیر راه شان می رساندند و سامانه انتشار خطبه ها و قصیده های بلیغ و نوظهور در سرتاسر شبه جزیره عربستان بدین گونه رقم می خورد. حتی قرآن نیز از این طریق منتشر شد چرا که در ابتدای بعثت علی رغم این که مشرکان برای شنیدن و حفظ قرآن جمع نمی شدند ولی به مجرد این که شنیدن قرآن به هنگام نماز پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در مسجد الحرام آن را حفظ می شدند و در بازگشت ضمن بیان خبر بعثت پیامبر صلی الله علیه و سلم به دیگران

آیاتی آنچه را که حفظ شده بودند برای آنها تلاوت می کردند بگونه ای که در خبر است: عمرو بن سلمه به صرف شنیدن حجاج مشرکین قرآن بسیاری حفظ کرده بود.[□]

۲- آنچه گذشت سامانه حفظ قرآن توسط اعراب قبل از پذیرش قرآن به عنوان کتاب الهی بود پس از پذیرش دعوت پیامبر توسط اعراب روش تازه حفظ قرآن کریم به قرار ذیل بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لفظ و معنا و مفهوم قرآن کریم را از خداوند متعال به واسطه پیک وحی حضرت جبرئیل علیه السلام دریافت می کرد و در مسجد آیات قرآن کریم را با بسته بندی مناسب بصورت ۱۰ آیه ۱۰ آیه به یاران خویش آموزش می داد و تا از لحاظ علمی و عملی آن را فرا نمی گرفتند بسته آموزشی بعدی را شروع نمی کرد. این مسأله به خوبی می رساند که سامانه حفظ قرآن کریم توسط پیامبر طراحی شده بود. آموزش تفسیر هم با تلاوت قرآن کریم بود که آن شامل آموزش توأمان وحی قرآنی با وی بیانی بود. این سامانه حفظ و آموزش تلاوت و تفسیر قرآن کریم را چند موضوع دیگر تقویت می کرد از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- ویژگی خاص قرآن در وحی کلی و مدنی و تاثیر پذیر جامعه عرب همعصر قرآن
- ۲- ویژگی ها و جهت گیری های فکری موثر در جامعه در حال گذر آن روز.
- ۳- سامانه و روند گام به گام دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۴- ایجاد نظام ارزشمند چند بعدی ارتقا بر اساس قرآن کریم البته نباید از نظر دور داشت که برخی ویژگی ها نیز بعدها زمینه ساز برخی حرکت های دردسر ساز پیرامون قرآن کریم شد مانند:
 - ۱- وجود رسوبات و تعصبات جاهلی و قبیله ای در بین مسلمانان
 - ۲- نزول آیاتی پیرامون اهل بیت علیهم السلام وحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که خود یکی از انگیزه ها تجرید قرآن از تفسیر بود.
 - ۳- پیدایش برخی اصطلاحات قرآن و تطور معنوی آنها بعد از عصر صحابه که منجر به انحراف در فهم برخی مطالب پیرامون قرآن شد.

افزون بر این:

گفته است که در روش بهینه ی حفظ قرآن کریم به آموزش شفاهی پیامبر بسنده نشد بلکه به منظور ماندگاری این شاهکار شمع جمع آفرینش و مصون ماندن آن از تحریف اصحاب قرآن کریم و تفسیر آن با هم در مصحفهایشان ثبت و ضبط می نمودند.[□]

۳- حضرت علی علیه السلام نیز در زمان خلافت خود علی رغم مشکلات و نابسامانی های داخلی همان سامانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در عرصه تعلیم قرآن پیش گرفت و افزون بر توجه به قرائت

□ - عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج 3، ص 7

□ - همان، ص 270- 326

و تأسیس علم نحو برای مصونیت قرآن از اشتباه نسبت به تفسیر توجه نشان می دهد و با آوای بلند سلوونی قبل از تفقدونی صحابه و تابعین را به گسترش فهم و تفسیر قرآن در جوار تلاوت فرا خواند و بعد از ۲۵ سال منع تدوین حدیث حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و بعد از فروکش کردن نسبی جنگهای داخلی امام علیه السلام فرصت نشر، اشاعه و گسترش فهم و نقل حدیث در اختیار جامعه اسلامی قرار داد. در باغ علوم نبوی را به روی مردم به ویژه در کوفه گشود بدون این حرکت ارزشمند فرهنگی تاثیر جاودانه در عرصه رشد و گسترش اسلام ناب محمدی و فرهنگ علوی داشته است بگونه ای گسترش بشیع بویژه در ایران مدیون این برهه از تاریخ اسلام است.

۴- از بررسی عصر خلفا در جلد دوم در می یابیم که:

بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، خلیفه اول ابوبکر گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نقل کنید و بگویید: بین ما و شما کتاب خدا هست پس حلال آن را حلال و حرام آن را حرام شمارید.

هدف خلیفه اول با سر دادن شعار جداسازی قرآن کریم از حدیث توسط خلیفه دوم روشن تر شد و کار جداسازی وحی قرآنی از وحی بیانی که در زمان ابوبکر شروع شد در زمان خلیفه دوم عمر به پایان رسید و عمر آن نزد دخترش ام المؤمنین به ودیعت نهاد، از نشر و گسترش احادیث حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به صورت چند جانبه جلوگیری کرد و احادیث مکتوب در نزد مردم را پس از جمع آوری سوزاند و هر کس را که از تفسیر قرآن می پرسد مورد بازخواست قرار می داد و مجازات می کرد و این پروژه تا آنجا پیش رفت که مصحف مردی که هر آیه را همراه با تفسیر نوشته از وی ستاند و مباحث تفسیری آن را با قیچی جدا کرد. در صورتی این فرآیند تناقض آشکار با سیره رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم داشت چرا که ایشان همان گونه که گذشت اهتمام قرآن و گسترش فهم و تلاوت و کتابت و... آن از بهترین اولویت های کاری خود می دانستند و در چشم انداز جامعه سازی اسلامی عامل قرآن بیشترین نقش را ایفا می کرد ولی ما می بینیم که سیاست تجرید قرآن از تفسیر در زمان عثمان نیز ادامه می یابد و مصحف به ودیعه نهاده شده نزد ام المؤمنین؟؟؟ را می گیرد و از آن ۷ نسخه بازنویسی می کند و در مراکز مهم اسلامی مثل مکه، بصره، کوفه، شام و... ارسال می کند و دستور می دهد که سایر مصاحف را بسوزانند و در این بین این تنها ابن مسعود است که از ارائه مصحف خود امتناع می ورزد که همین مسأله رابطه وی را با خلیفه تیره کرده و مشکلاتی را پدید می آورد.

در پایان از گفته های علامه عسکری چنین نتیجه می شود که بالاخره سیاست منع تدوین همبر با تجرید قرآن کریم از تفسیر یک هدف را پی گیری می کرد و آن عدم بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام و پنهان ماندن زشت کاری برخی از افراد جناح حاکم در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که اگر آن دو اتفاق نمی افتاد سرنوشت بهتری برای جامعه اسلامی رقم می خورد.

۵- از بررسی تاریخ قرآن در عصر اموی و عباسی جلد دوم کتاب رهیافت زیر نتیجه می شود:

در زمان معاویه سیاست منع تدوین، نشر و گسترش عمومی حدیث ادامه می یابد لذا می بینیم که معاویه به مانند عمر می گوید: در غیر احکام شرعی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی نقل نکنید، در این زمان علاوه بر آن که به افرادی مانند ابوهریره فرصت نقل هدفمند حدیث داده می شود به والیان بلاد مختلف نوشته می شود که مردم را به نقل فضائل عثمان فرا بخوانید و به مجالس ذکر فضایل و مناقب عثمان بروید و بانک اطلاعات روایات فضائل عثمان را با مشخصات، اسم راوی، نام پدر، نام قبیله را شکل دهید و آنها را مورد تمجید و تکریم خود قرار دهید به گونه ای فضائل عثمان در آفاق و اکناف بلاد اسلامی منتشر می شود و معاویه راویان را با ارسال جوایز مختلف منقول و غیر منقول مورد تفقد قرار می دهد و مردم در جهت کسب منزلت و جایگاه و به دست آوردن پول و دنیا در این عرصه به رقابت می پردازند.

در این زمان فرمان «حدیث بس» برای عمال خود را صادر می کند و می گوید فضائل عثمان به اندازه کافی منتشر در شهرها شده است پس از آنکه نامه من به دست تان رسید مردم را به نقل روایت در زمینه فضائل صحابه و خلیفه اول و دوم فرا خوانید و در مقابل هر خبری که فردی درباره علی (علیه السلام) نقل کرده است اخبار تناقض و متضاد روایت کنید.

بدین طریق روایات پیرامون فضائل صحابه گسترش یافت و توسط سخنرانان بر فراز منبرها و معلمان در مکتبخانه ترویج شد و به مانند قرآن به کودکان، زنان و خدمت کاران آموخته شد.

و فقها و قضات با این حرکت هماهنگ شدند و سایر خلفا بنی امیه به استثنای عمر بن عبدالعزیز راه را بدین نمط طی کردند.

در ادامه؟؟؟ ناقص جعل حدیث بر همان پاشنه قبل چرخید و منصور دوانیقی وقتی می خواست فرزند خود مهدی را بعنوان ولی عهد منصوب کند از مطیع بن ایاس خواست که در این زمینه حدیث وضع کند وی گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی منا محمد بن عبدالله و امه من غیرنا...» .

این مسأله را بدان خاطر فرمود که مادر منصور مکنی به ام موسی دفتر منصور بن شهرحمیری برد و هاشمی نبود. در ضمن در پایان حدیث مطیع گفت: عباس بن محمد هم این حدیث را تایید می کند و امر نیز از ترس منصور مطیع را تصدیق کرد.

به هر روی نتیجه این که:

در بین تابعان و افرادی که بعد از صحابه آمدند اشخاص دروغ پرداز در عرصه اسناد و حدیث پیدا شد و در اواخر قرن دوم هجری زنادقه به منظور فاسد کردن شریعت اسلام و شک آفرینی و القاء شبهه در ذهن عوام احادیثی را وضع کردند که خدا بدان آگاه است و بسیاری که مسائل انحرافی مثل افسانه غرانیق و ... از یافته های این دوره است.

این عده از کار نشستند حتی در عصر تدوین حدیث نیز برخی از زنادقه کتابهای حدیثی را از شیوخ حدیث گرفته و دور از چشم آنها در احادیث دست برده و یا برآن اضافه می کردند و این مشایخ نیز احادیث موضوعه را به زغم این که از احادیث خودش است نقل می کردند و بدین ترتیب بر مسمومیت فضای فکری جامعه اسلامی بخصوص در عرصه قرآن کریم افزود.

سپس علامه به مباحثی که در مکتب خلفا

منجر به پدید آمدن شبهه تحریف شده است می پردازد و موارد را بررسی و بدرستی تبیین می نماید و موضع شیعه را در عرصه دفاع از جایگاه بلند قرآن کریم استحکام می بخشد.

اینکه موضوعات با تکیه به نظر علامه عسکری به ترتیب گزارش می شود.

۱- بررسی روایات بسمه و زمان و مکان روایت آنها.

این که بسم الله جزء سوره است یا نه و نیز در صورت جزء بودن باید به جهر خوانده شود یا اخفات دو پرسشی هستند که معرکه آرا فقهاست از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله انس بن مالک دو روایت متناقض در این زمینه رسیده است که حل آن جز از طریق توجه سیر تطور نقل حدیث و شناخت اقدامات جاعلان حدیث امکان پذیر نیست.

در این عرصه بعد از آنکه معاویه در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) در قرائت سوره حمد بسم الله را جا انداخت صحابه بر او شوریدند و گفتند فراموش کردی یا از نماز دزدیدی؟ جاعلان حدیث به منظور حفظ کرامت خلیفه مسلمین معاویه اقدام به جعل احادیث عدم قرائت در نماز توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خلفا شدند .

با توجه به این که مدینه محل مناسبی برای وضع این روایات نبود چون صحابه و تابعین به معاویه در این زمینه معترض بودند لذا می بینیم که این روایات ابتدای امر در غیر مدینه در جایی مثل شام و... روایت شده است و از آنجا به سایر بلاد منتشر شد و بعد از عصر صحابه و تابعین وارد مدینه شده است و قبل از عصر تدوین و بعد از عصر تدوین دو مجموعه حدیثی متناقض درباره بسم الله در کتب حدیث شکل گرفته است.

و سایر روایات متناقض در عرصه قرآن نیز به همین سرنوشت دچارند.

۲- بررسی روایات حجم قرآن و زمان و مکان روایت آنها

در زمینه جمع قرآن روایات زیادی در صحیح بخاری و سلم و سایر کتب حدیثی آمده که خلاصه آن از نظر می گذرد.

الف- این رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) و همه صحابه در تدوین قرآن اهمال ورزیدند و وقتی که در جنگ؟؟؟ قاریان زیادی کشته شدند خلیفه اول ابوبکر یا دو صحابی پیامبر زید و عمر ترسیدند که با کشته شدن قاریان مقدار زیادی از قرآن از بین برود لذا تصمیم به جمع قرآن گرفتند اکنون جای این

پرسشها باقی است که چگونه قرآن جمع آوری نشده بود در حالی که در خانه داماد و خواهر عمر بن خطاب در مکه قرآن مکتوبی بود که آن را می خواندند.[□] و در مدینه نیز هر موقع چیزی از قرآن نازل می شد به نویسندگانی که حاضر بودند خود حضرت رسول امر به کتابت در جایی می کردند که جبرئیل به وحی الهی مشخص کرده بود.

یا وجود لفظ کتاب در قرآن و حدیث ثقلین و امر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مبنی بر جمع قرآن کریم به حضرت علی، اهتمام ویژه آن حضرت نسبت به کتابت قرآن در مدینه، وجود مصاحف متعدد صحابه همه و همه با این روایات ناسازگار است.

ب- اینکه در روایات آمده است آنها به هنگام قرآن چیزی را جز با شهادت دو نفر قبول نمی کردند مگر آیه لقد جاءکم رسول... در آخر سوره براءت را که نزد خزیم پیدا کردند و بخاطر اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیام شهادت وی را؟؟؟؟ دو نفر دانسته بود از وی پذیرفتند یا اینکه آنها در زمان عثمان وقتی در کتابت آیه ای اختلاف می کردند لذا پی گیر افرادی می شدند که آن آیه را از حضرت رسول گرفته بودند و احیانا گاهی آن فرد در مدینه نبود لذا قبل و بعد آیه را می نوشتند و موضع آیه را خالی می گذاشتند تا بیاید تا پیکی به سوی وی روانه می کردند تا آیه را از او بگیرد. بهر روی چگونه می توان این روایات را صحیح دانست در حالی بسیاری از حافظان، قاریان و صاحبان مصحف در مدینه و مکه و سایر مراکز مهم اسلامی حضور داشتند، چگونه می تواند این روایت اخذ از؟؟ کتابت بخاطر نبود صاحب آیه می تواند مبنای صحیحی داشته باشد و ...

بهر روی این روایات جریان این گونه گفتمانها بین صحابه بویژه زید که خود جامع قرآن در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است با وجود سایر قاریان معقول نیست لذا به نظر می رسد که این روایات ابتدای امر در خارج مدینه روایت شده و در سایر بلاد اسلامی منتشر شده است سپس بعد از عصر صحابه و تابعین به تدریج به مدینه وارد شده و در عصر تدوین در کتب حدیث ثبت شده است و شاید سبب تناقض در روایات جمع قرآن این باشد که برخی به منظور عمل به دستور ویژه معاویه نسبت به نقل فضایل عثمان جمع قرآن را به وی نسبت داده اند و بدنبال امر دوم وی مبنی بر نقل فضائل خلیفه اول و دوم برخی جمع قرآن را به خلیفه اول و برخی نیز به خلیفه دوم نسبت داده اند و بدین صورت روایات متناقض و متضاد پیرامون جمع قرآن پدید آمده است.

به هر صورت در این عرصه و با وجود تناقض پیش گفته دو مسأله خود نمایی می کند.

۱- پذیرش صحت روایات تا منجر به افترا به خدا، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب وی مبنی اهمال در توصیه به جمع و تدوین قرآن نشود.

۲- پذیرش صحت روایات چون در؟؟ نقل شده است و عدم پذیرش این مسأله برای قرآن کریم و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که همان تالی فاسد را به دنبال دارد.[□]

۳- بررسی روایات اختلاف مصاحف و نقصان و زیاده در قرآن کریم.

الف- روایات اختلاف مصاحف

علامه عسکری این روایات را به چهار دسته تقسیم می کند و هر دسته را جداگانه به شرح زیر به بررسی می نشیند.

۱- روایاتی که معنای آن بخاطر تطور معنوی اصطلاحات اسلامی بکار رفته در روایت بدرستی فهمیده نشده است.

۲- روایاتی که به خداوند متعال و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و یاران وی دروغ بسته یا با افزودن عباراتی در روایات صحیح تحریف شده اند.

۳- روایات که معنا سخن صحابی بدرستی فهمیده نشده یا این که روایت بخاطر فراموشی یا از روی تعدد نقل به معنی شده است و عین کلام صحابی نقل نشده است.

۴- روایاتی که علیه قیآن و برخی حکام ستمگر به دروغ نسبت داده شده است.

نوع اول:

بررسی روایاتی که تغییر معنوی اصطلاح اسلامی باعث عدم فهم معنا شده است. در صحیح مسلم و سایر کتب حدیثی آمده است که:

الف: ام المؤمنین عایشه به غلامش امر کرد که برای وی مصحفی بنگارد و به وی گفت هر موقع به آیه ی «حافظوا علما الصلوات و الصلواه الوسطی» به من اعلام کن وی چون به این آیه رسید مراتب را به ستحضار وی رساند و او به غلام دستور داد که چنین بنویسد: حافظوا علی الصلواه و الصلاه الوسطی و صلاه العمر. و مشابه این از ام المؤمنین؟؟ و ام المؤمنین ام سلمه و ابن عباس رسیده است.

ب: در تفسیر سیوطی از ابن مسعود نقل شده است:

در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیوسته چنین می خواندیم: «یا ایها الرسول بلغ انزل الیک من ربک □ ان علیا مولی المؤمنین و ان لم تفعل فما بلغت رسالته»

□ - نگارنده معتقد است بحث جمع قرآن یکی از مباحثی است که مانند مسأله خبر واحد در اصول فقه معرکه آراست و جمع قرآن هم در مکتب اهل بیت و هم در مکتب خلفا موافقان و مخالفانی دارد، به نظر می رسد اگر تعریف دقیقی از جمع قرآن ارائه شود تا محل نزاع روشن شود، بهتر می توان در این باره اظهار نظر کرد چون تا آنجا که بنده اطلاع دارم درباره جمع قرآن پنج یا شش گزینه ارائه شده ولی چون هر کدام گزینه ای را در نظر گرفته اند بستر اختلاف شده است لذا امید می رود اگر بین گزینه ها و یا به عبارت بهتر تعریف ها از جمع قرآن بررسی تطبیقی صورت گیرد ای بسا که نزاع لفظی و بر سر اصطلاح باشد و با توجه به این که محاشته فی الاصطلاح اختلاف از بین رفت بر بندند.

از این آنچه که از جمع بندی روایات بدست می آید این است که اختلاف مصاحف صحابه به معنی اختلاف نص قرآن کریم نیست بلکه به اختلاف در عرصه نگارش و عدم نگارش زائده های تفسیری است که صحابه برخی می نوشتند و برخی یا بخاطر عدم سماع از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یا به منظور درست نداشتن نگارش مطالب تفسیری همراه با قرآن از نوشتن خودداری می کردند.

نظر به آنچه که گذشت و با توجه اینکه قرآن تنها نام برای کتاب الله است و سایر موارد صفات قرآن است و عنوان مصحف اعم از قرآن و اسم برای هر مجموعه مدون بین دو جلد است هر چند بعد عنوان مصحف علم برای «قرآن کریم» گردید و افزون بر این اصطلاح اقرء نیز در ابتدای به معنای آموزش نص قرآن به همراه معنای آن بوده و قاری و مقری که بوده که لفظ و معنای قرآن را آموزش می داده ولی چون استعمال لفظ اقرء در هر یک از دو جزء معنا خود جایز بود لذا در اواخر خلافت عمر اصطلاح اقرء در آموزش معانی و تفسیر قرآن استعمال شده است و آنچه در احادیث گذشته آمده نیز به همین معنا است چرا که می بینیم مثلاً در روایت آمده در زمان خلافت عمر فردی مثل عبدالرحمن بن عوف از ابن عباس قرائت یاد می گرفته است که این جز به معنای تفسیر قرآن نمی تواند باشد چرا که عبدالرحمن بن عوف که حدود سال پنجم بعثت مسلمان شده است چگونه می تواند از ابن عباس که در زمان رسول الله کودک بوده است الفاظ قرآن را فرا بگیرد. بویژه این عمر در عرصه تفسیر قیآن به ابن عباس رجوع می کرد و در عرصه تفسیر روایات زیادی از ابن عباس وارد شده است.

ب: بررسی روایات ساختگی یا محرف

برخی از این گونه روایات که در صحیح مسلم و سایر کتب حدیثی وارد شده به قرار زیر است.

۱- ابو موسی اشعری قراء بصری را فرا خواند سیصد نفر آمدند سپس به آنها گفت... ما پیوسته سوره ای را می خواندیم که به لحاظ طول و شدت لحن شبیه سوره براءت بود ولی من فقط این مقدار از آن را حفظ هستم: لو كان لابن آدم و ادیان من مال لا تبغی وادياً ثالثاً و لا يملأ جوف بن آدم الا التراب

۲- و پیوسته تا سوره ای می خواندیم که شبیه یکی از مسحات بود و من ان را فراموش کردم و فقط همین مقدار را حفظ هستم: « يا ايها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون فتكتب شهادة في اعناقكم»

۳- اینکه ابن مسعود معوذتین را از مصحف حذف می کرد و می گفت: قرآن را با آنچه از آن نیست در نیامیزید. ایندو از کتاب الهی نیستند و نیز در مصحف خودش سوره حمد را ننوشته بود.

....

جمع بندی روایات زیان و نقصان

در بررسی این روایات باید گفت: که اینها مانند روایات جمع قرآن جعلی است و به دروغ به خدا و قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه نسبت داده شده است و افزون بر آن سامانه آموزش حفظ و تفسیر

قرآن کریم که توسط پیامبر طراحی شده بود و نسل اندر نسل بین عامه مسلمین اجرا می شد و اهتمام مسلمین به امر قرآن کاملاً مخالف این اخبار است و آنها را می نماید و محال است که چنین افعالی از صحابه سر بزند چون مثلاً روایت که پیرامون ابن مسعود نقل شده عبارت لا تخطوا القرآن بما لیس منه دلالت دارد بر این که این عمل در کوفه شایع بوده و همه این کار را می کرده اند و ایشان که به عنوان معلم از روی عمر به این منطقه گسیل شده و خطاب به دیگران این مسأله را گوشزد کرده و لذا پس این حذف اختصاص به ابن مسعود ندارد و افزون بر آن آیا این عمل شنیع بر خلیفه اول و دوم و سوم و سایر صحابه مخفی بوده و آیا این که اطلاع داشته اند ولی وی را منع نکرده اند با آنکه به معاویه بخاطر عدم قرائت بسم الله در سوره حمد خرده گرفتند و

و یا این بعد از این که حجاج در مورد عبدالله بن زید گفت « که ابن زبیر کتاب خدا را تغییر داد و تحریف کرد. ابن عمر گفت: خداوند نه او را بر چنین کاری مسلط کرده بود و نه تو را.

ج: بررسی مواردی که به عدم فهم کلام صحابی یا عدم روایت لفظ و کلام صحابی بر می گردد روایت گذشته از ابوموسی اشعری و سوره خلع و؟؟ مصحف ابی بن کعب و آیه؟؟ منقول از عمر و آیه رضاع منقول از ام المؤمنین عایشه از این موارد هستند چرا که اسناد این روایات به صحابه وصله ناجوری است که بر ردای یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راست نمی آید. بلکه روایت صحیح در تفسیر سیوطی و... آمده است این را می رساند که بر اساس نقل انس درایت منقول از ابوموسی حدیث و گفته پیامبر بوده است و از قرآن نیست و سوره های خلع و حذف نیز دعا بوده اند که حضرت جبرئیل آنها را به پیامبر آموزش داده است و افزون بر آن حضرت علی علیه السلام خلیفه دوم عمر و والی اموی در خراسان آن دو را در قنوت می خوانده اند و نیز جایز است که؟؟ آن دو را بعنوان تفسیر در قرآن بیاورد ولی اندک اندک برخی بسم الله بر آن افزوده اند و برخی عنوان سوره بر آندو نهاده اند و با توجه به منع تدوین اخبار در قرن اول هجری امر بر دیگران مشتبه شده است در مورد آیه رحم و آیه رضاع نیز می توان گفت که این دو بار غیر قرآنی نازل شده اند و پیامبر امر به کتابت بعنوان تفسیر قرآن کرده اند چون اصطلاح قرآنی قرائت بعد دچار تطور در معنا شده است امر بر رواه مشتبه شده و فهم درست کلام را بدست نیاورده اند. مواردی که به کتاب خداوند و یا یکی حکام ستمگر و دروغ بسته اند.

اینکه در مورد حجاج نقل شده است حرف از مصحف عثمان را تغییر داد و یا اینکه درباره مصحف ابن مسعود مطالبی گفته می شود اینها را زنادقه ساخته و پرداخته اند و نسبت داده اند. نسبت به حجاج به خاطر این است که وی چهره مشوشی در تاریخ دارد و به نوعی افراد پذیرایند که از وی چنین کاری نیز بر می آید و اما آنچه به ابن مسعود نسبت داده اند با سه هدف زیر صورت گرفته است:

۱- ترور شخصیت صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

۲- دفاع از حاکمان ستمگر مثل ولید

۳- تشکیل در نص قرآن کریم

۴- بررسی روایات نزول قرآن بر هفت حرف

علامه عسکری در این عرصه اذعان می کند که روایات نزول قرآن بر هفت حرف افزون بر اضطراب در متن، مقرون به تشویش در فهم هستند چرا که علوم قرآنی بیش از ۴۰ تفسیر برای آنها ذکر کرده اند ولی هیچ کدام معنای محصلی را بدست نمی دهد. چون ترادف محاورات عرب و از جمله در قرآن کریم وجود ندارد و هر کدام از الفاظی که موهم این موضوع هستند در بررسی به دست می آید که معنای علی حده دارد بدون شک رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه بزرگوار او از این امر آگاه بوده اند و آنچه در این عرصه نقل شده ساخته و پرداخته جاعلان حدیث در نیم قرن دوم قرن اول و اواخر حکومت اموی است که بعد از آن در عصر تدوین به کتابها راه پیدا کرده است و نظر به این که روایات مایه خدشه در نص قرآن کریم می شود و با اعجاز قرآن کریم و در روند بکارگیری اسماء الله در آیات مخالف است، قابل پذیرش نیستند، از طرف دیگر روایاتی از طریق اهل بیت نقل شده بر یگانه بودن قرآن و اسناد اختلاف به راویان و نه صحابه و زندیق بودن آن راویان اشعار دارد.[□]

۶- بررسی اختلافات قراءات و قاریان آن:

از انجا یکی از دلایل تاب فصل الخطاب بحث اختلافات قرائات است، علامه به خوبی این موضوع را بررسی می کند که برآیند نظر علامه تقدیم می شود. همان طور که قبلاً قراءت و اقراء یک اصطلاح قرآنی است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آموزش لفظ و معنای قرآن به کار می رفت و در عصر صحابه گاهی در یک از آندو استعمال شد سپس معنای قراءت بعد از عصر صحابه از تعلم تلاوت متن قرآن و یادگیری معنای آن یادگیری تبدیل متن قرآن کریم به لغات قبایل مختلف عربی تغییر یافت و علت این تغییر هم حکومت امویان از زمان معاویه تا اواخر حکومت اموی به استثنای زمان عمر بن عبدالعزیز بود که به عهد قصد احیا میراث عرب جاهلی را در عرصه های مختلف ادبیات، تاریخ، انساب را داشتند.

افزون بر این فعالیت زندیقان و جاعلان اخبار در پهنه فرهنگی امت اسلامی به منظور ضربزدن به سنت نبوی در دو عرصه حدیث و سیره مزید بر علت شد و بدین ترتیب علم تبدیل لغت قرآن به لغات قبایل عربی تکون پیدا کرد و به علم قراءات به معنای جدید معروف گشت به گونه ای بسیاری از مردم بدین مسأله پرداختند و اصطلاح اصیل اسلامی فراموش گشت.

و منشاء این اختلافات در عرصه قرائت قرآن به شرح زیر است:

۱- زایده های تفسیری که افراد فکر کرده اند قرائت دیگری برای متن قرآن است.

۲- اجتهادات و استحسانات صحابه در تبدیل متن قرآن

۳- تاثیر روایات ساختگی در زمینه از تبدیل متن قرآن کریم به غیر آن

۴- غلط های رسم الخط عثمانی

۵- مقایسه متن قرآن با قواعد نحوی

۶- اجتهاد قراء بر اساس روایات و اجتهادات صحابه و قواعد زبان عربی و لغات غیر قریشی.

علی رغم هم این موهومات آنچه را اهل بیت علیهم السلام مطرح می کنند این است که قرآن یکی است و از نزد خدای یگانه آمده است و از طرف دیگر مطرح می کنند که بخواهید همانگونه که مردم می خوانند با توجه به این و با رجوع به متن قرآنی که در دست مردم است می بینیم که اختلافاتی در قرآن نیست. آنچه که مطرح شده از قبل رواه سازندگان حدیث و دشمنان قرآن کریم و مسلمانان است. از اینرو اختلاف قراءات نمی تواند دلیل برای تحریف قرآن کریم باشد.[□]

۷- بررسی سنخ و اتساع در قرآن کریم:

علامه در ابطال دلیل سوم کتاب فصل الخطاب که آیات منسوخ؟؟ را نشانه ای از نقصان قرآن می داند در ۱۹ بخش به بررسی مسأله فسخ و انساء می نشیند که اهم آن در پی می آید.

رد نظریه نسخ

علامه در ابتدای امر تشبیه به ریشه فسخ در قرآن می زند و بعد مواردیکه یکی تحکیم و تثبیت می نماید. وی معتقد است در قرآن کریم اصلا نسخی واقع نشده است بلکه خداوند حکم موقتی را از طریق وحی غیر قرآنی نازل می کند و مسلمانان بدان عمل می کردند و بعد از انتها زمان حکم خداوند آن را با وحی غیر قرآنی دیگر بیان می کرد و بعد از طریق وحی قرآن ماقوع را گزارش می کردند در قرآن کریم نسخی وجود ندارد.

علامه عسکری معتقد است در عرصه مسأله نسخ موارد زیر باید مد نظر قرار گیرد.

۱ - قرآن کریم به منظور رعایت مقتضی حال از فنون بلاغی که؟؟ اقتضا دارد به طور وسیع استفاده کند.

۲ - توجه به گونه گونی و توسعه و تعیین و تکرار بیان اخبار گذشتگان که مقام اقتضا دارد.

۳ - توجه به سیاق آیات بویژه در سور بزرگ که گاه آیه منفردا حکم مرا بیان می کند و گاه مجموعه آیات حکم را بیان می کند.

۴ - توجه به برخی از موضوعات مطرح شده در مسأله نسخ و ارائه تفسیر صحیح از آنها و یا رد آنها مثل انواع سه گانه نسخ آیات منسوخ به قرآن و سنت و ...

۵ - اینکه استدلال قرآنی مبنی بر وجود نسخ قرآن به دو آیه ما ننسخ من آیه ... بقره ۶۱ و اذا؟؟ آیه مکان آیه استشهد شده است.

حال آن که همان گونه در بحصص؟؟ قرآنی گذشت آیه به معنای بخشی از قرآن اصلا به صورت مفرد در قرآن بکار نرفته و واژه آیه بکار رفته در آیات مفرق به معنی حکم است و سیاق آیات مورد اثبات می کند که مساله نسخ مطرح شد مربوط به مجادله اهل کتاب در رابطه با نسخ قبله است.

۶- اینکه در روایات موجود مبنی بر سور فراموش شده یا آیات منسوخه نیز از دو حالت بیرون نیست یا این که زوائد تفسیری بوده بعدها به اشتباه به عنوان نص و متن قرآن مطرح شده و یا این که اجتهادی در مقابل نص از صحابه بود مثل آیه رضاع از عایشه با توجه تاریخ پرفراز و نشیب زندگی وی و نیازمندی وی به ارتباط مردان در عرصه سیاسی بود لذا به این اجتهاد در مقابل نص دست می زند و حتی نشر حرمت از طریق رضاع برای بزرگسال به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت می دهد. □

۸- شرق شناسان و قرآن کریم.

علامه در این عرصه ضمن بررسی تاریخی مساله مطرح می نماید که بعد از تهاجمان اولیه یهود و نصاری معاصر و متأخر پیامبر از اولین افرادی که مایه در عرصه فرهنگ قرآنی اثر گذار بودند یوزا دمشقی و جانشین وی ابوقره بودند که اواخر عصر اموی و ابتدای عصر عباسی با انتشار فلسفه یوانی از قبیل قدیم یا حادث بودن کلام الهی و بیان اخذ مفاهیم قرآنی توسط پیامبر از اهل کتاب و... باعث مشکلات زیادی برای مسلمانان شدند سپس غربی ها که در جریان جنگهای صلیبی قدرت اسلام را به خوبی دریافته بودند شیخون فکری فرهنگی را علیه اسلام و قرآن سامان دادند و لذا در ابتدا پطرس کلونی در بین سالهای (۱۰۹۴-۱۱۵۶ م) با ترجمه تحریف شده قرآن از عربی به لاتین به جهان غرب عرضه کرد که متاسفانه نه روح استهزا و و کج فهمی ترجمه و نوشته های وی حاکم است و همین تمسخر یا کج فهمی باعث شده که شرق شناسان از قرآن کریم و سایر کتب اسلامی ترجمه های تحریف شده عرضه کنند و اینها در اختیار عامه مردم آنجا قرار گیرد و این دشمن فکری با قرآن ادامه داشت تا اینکه ارتباطات بیشتر شد و در فرآیند ارتباط آنها به برخی احادیث و اجتهادات نادرست از صحابه و... امت یافتند که همین ها بنا هجوم وسیع افرادی مانند آرتور جفری، هنری، سیه، گولدزیهر و... به قرآن و اعتقادات اسلامی شد. □

بررسی جلد سوم؛ نقد کتبا الشیعه و القران احسان الهی ظهیر
جلد سوم القرآن الکریم و روایات المدرستین به نقد و بررسی کتاب الشیعه و القرآن پرداخته و بر خلاف دو جلد پیشین بحث و بررسی در این جلد به صورت موردی صورت می گیرد. و یکایک موارد موارد استناد نویسنده کتاب مورد مذاقه و موشکافی قرار می گیرد.

□ - همان، ص 348- 266

□ - همان، ص 781 - 705

ابتدا مولف پس از معرفی کتاب الشیعه و القرآن، به ریشه های اسطوره تحریف قرآن پرداخته و احادیث منقول از منابع شیعی را در بردارنده دو خطای بزرگ می داند .

۱ -خطای در سند

۲ -خطا در متن و الفاظ

و در این عرضه ایشان به برخی مشکلات پیش آمده در عرصه کتب حدیثی اشاره می کند و بعنوان مثال درباره برخی روایات کافی مرحوم کلینی گوش زد می نماید که پس از شیخ طوسی توسط نسخ برداران و نویسندگان دچار مشکل شده است.[□]

در ادامه ایشان به دو طیف فکری علمای شیعه سنی اصولیون و اخباریون اشاره کرده و یادآوری می نماید که در میان اخباریان، غالبی پدید آمدند که محدثان شیعه آنان را ثقه نمی دانستند و بنابراین روایات آنها را قبول ندارند و نیز گفته است که در ارزیابی احادیث حتی روایات کتب اربعه از نقد وزین اهل درایت سالم نمانده و از ۱۶۱۲۱ حدیث کافی تنها ۵۰۵۲ حدیث را صحیح شمرده اند.[□]

نویسنده، پس از نقل سخنان احسان الهی ظهیر، به اشکالات او پاسخ داده و برای رفع اتهام از شیعه دیدگاه علمای شیعه و مدرسه اهل بیت علیهم السلام را قرن به قرن تا قرن پانزدهم هجری نقل کرده و آن گاه ادعای مؤلف الشیعه و القرآن را که مدعی است هزار حدیث از شیعه در عرصه تحریف قرآن وجود دارد رد می نماید[□] و یادآوری می نماید که برخی روایات تکرار شده اند و ۷ روایت به خاطر تکرار ۱۵ روایت منظور شده است همچنین برخی روایات از احادیث منتقله هستند که از منابع اهل سنت به منابع شیعی وارد شده است و یا در منابع هر دو مدرسه وجود دارد،[□] پاره ای از روایات نیز ساخته و پرداخته دست غالبان است که علمای شیعه آنها را قبول ندارند.[□] و یا روایاتی است که اصل و سند ندارند و ساختگی هستند و نمی توان برای اثبات چیزی بدانها استناد جست که برخی روایات تفسیر فرات کوفی، قمی، عیاشی و اصل سلیم بن قیس از این گونه اند.

برخی دیگر روایاتی هستند که راوی آنها مجهول است و پاره دیگر از موارد استناد دعا بدون سند است که در کتاب دبستان مذاهب و... مطرح شده است.
بعضی از آن روایات از افراد غیر موثق نقل شده است.

□ - همان، ج 3، ص 22- 21

□ - همان، ص 37

□ - همان، ص 118- 113

□ - همان، ص 129- 119

□ - همان، ص 202- 131

و دست آخر برخی روایات که عنوان تحریف در آنها آمده است که مانند بقیه با ضعف سندی روبرو است و افزون بر آن تحریف معنوی را که منکر نشده است. روایات قابل توجیه است.

نویسنده پس از نقد اظهارات احسان الهی ظهیر، درباره روایات دال بر تحریف قرآن، به دسته دیگری از روایاتی که در تفسیر و اختلاف قراءات آیات از بقره تا ناس آورده شده پرداخته است که ظاهر آن ها می رساند که قرآن فعلی دست فرس تغییر شده است وی در این باب که طولانی ترین باب کتاب است پس از ذکر روایات به مانند گذشته به بررسی سندی و دلالتی آنها پرداخته و به عنوان نمونه در ذیل سوره توحید علامه به روایات مطرح شده چنین جمع بندی می نماید این چهار روایت واقع دو روایت است و در خلال بحث در بررسی سندی گوش زد می کند که روایت اول سندش ضعیف است و روایت دوم زاید تفسیری است و روایت سوم در برخی مصادر سند ندارد و همچنین امکان دارد که از احادیث؟؟ باشد، و از لحاظ متن نیز اگر شیخ نوری با تمسک به این روایات قائل به تحریف قرآن است باید متن اصلی قرآن را مشخص کند و ثانیاً خود روایات می رساند کذلک الله ربی بعنوان بخشی از سوره نیست بلکه بعد از سوره ذکر می شود. و ثالثاً اگر این روایات را بپذیریم متن قرآن نعوذ بالله به یک متن مبتدل و پیش پا افتاده تبدیل می شود که اعجاز ندارد و بدین ترتیب روشن می شود که روایات یا دچار ضعف سندی و دلالتی هستند و یا قابل تبیین به وجه صحیح.[□]

و در پایان علامه عسکری چنین نتیجه می گیرد:

شیخ نوری و استاد ظهیر به زعم خود به ۱۰۶۲ روایت که بر تحریف قرآن دلالت دارند تمسک نموده اند که ما به بررسی آنها پرداختیم، همه آنها مشمول یکی از دو امر است؛ یا درسندهای آنها افراد؟؟ دروغگو، ضعیف و مجهول وجود دارد و یا در متن روایت، تفسیر و بیانی برای آیه است که محصول آنها برای آندو چیز جز حاصل جمع صفر نیست.[□]

روش علامه در القرآن الکریم و روایات مدرستین

روش کلی علامه عسکری این است که به صورت کاملاً علمی و تحقیقی مصادر و مدارک شریعت اسلامی در دو مکتب خلفا و امت را که در کتب معتبر آنان آمده است به طور دقیق بررسی نموده و حقایق را از خلال کتاب های متعدد از ساخته ها افراد دروغگو و جاعل تفکیک و تبیین می نماید.

وی با استفاده از شیوه مختلف تحقیقی از قبیل روش های توصیفی، تاریخی، تحلیلی مقایسه ای با تکیه بر اسناد، منابع و مراجع مورد بررسی را به خوبی جست و جو تحقیق و کنترل کرده است، سپس در پرتو قرآن و سنت صحیح درباره آنها داوری کرده و به نکات تازه و بدیعی دست یافته است. روش مؤلف موضوع، ذکر مستندات آن، نقل دیدگاهها، جمع بندی و نتیجه گیری از آنها و بیان دیدگاههای خود است.

□ - همان، ص 846

□ - همان، ص 847

وی حتی در انتخاب موضوع روشمند عمل نموده و به جای بحث های رایج و کم اثر علوم قرآنی به موضوع تحریف قرآن که گلوگاه چالش برانگیز در عصر حاضر است پرداخته، همان نقطه ای که قرآن کریم از چندین جهت مورد هدف قرار گرفته است، از طرفی فرقه های مذهبی برای به در کردن رقیب از میدان و متهم کردن یکدیگر از آن بهره جسته اند و از طرف دیگر شرق شناسان نیز برای پیشبرد اهداف خود علیه قرآن کریم از آن سوء استفاده کرده اند، زمینه چنین حملاتی علیه قرآن کریم وجود روایات فراوان در منابع تاریخی و حدیثی درباره نقص و کاستی قرآن و تناقض روایات به سایر روایات است. نویسنده این اثر سعی کرده است که با پاسخگویی به تک تک شبهات موجود به خوبی از عهده آن بر آید.

مهمترین نکات روشی علامه عسکری در القرآن الکریم و روایات المدرستین.

۱- توجه به منابع کهن و جدید و پیوند آن ها

علامه در این کتاب برای بررسی یک مطلب، افرون بر توجه به منابع کهن، به نوشته های معاصران خود اعم از مسلمانان و معاصران توجه دارد و با اینکه برای اثبات دیدگاه های خود تنها به کتب دست اول تمسک می کند، به نقل از کتب معاصر و حتی مستشرقان عنایت لازم را دارد. که در گزارش تفصیلی کتاب از نظر گذشت.

۲- بررسی های آماری

علامه در این کتاب برای نشان دادن صحت و سقم و تطور اخبار و مقایسه بین نسخه های متعدد، با هدف به دست آوردن نحوه و مقدار تحریفات از آمار، نمودار، جدول، گردآوری صفحاتی از یک کتاب یا نوشته در زمینه قرآن بهره جسته است.

۳- ریشه یابی منابع و مستندات نقل یک خبر

علامه به منظور نشان دادن کذب و جعل یک خبر با روشن ساختن منابع و مستندات خبر صحیح را از؟؟؟ باز می شناساند و نقاب را از چهره حقیقت می پیراید.

بعنوان مثال وی در روایات بسمله بعد از بررسی همه جانبه در مورد منشأ آن به این نتیجه می رسد که علی رغم این که اخبار متناقض گاه از یک صحابی پیرامون جهد و اخفات و تسمیه و عدم تسمیه در نماز نقل شده ولی این خبر ساختگی است و به منظور حمایت از اقدام معاویه در نماز جماعت که بسمله را نگفت بعد از صحابه ابتدا در بلاد شام ساخته و پرداخته شده و سپس در سایر بلاد و منتشر شده و سپس به مدینه وارد شده و پس از آن در عصر تدوین وارد کتب حدیثی شده است.[□] و با همین روش نیز تشخیص کرده که این روایات از کتاب القرائات بسیاری وارد تفسیر الثبیبان شیخ طوسی شده و از آن جا به تفسیر ابوالفتوح رازی و از آن به تفسیر گازر تا به مستدرک الوسائل یا فصل الخطاب حاجی نوری رسیده است.[□]

□ - همان، ج 2، ص 37-7

□ - همان، ج 3، ص 548

۴- استفاده از آراء دانشمندان دیگر

علامه گاهی برای قوت بخشیدن به فرضیه ها و نظرات خویش از نظرات و آرا سایر دانمندان بعنوان مثال در بررسی شبهه تحریف و حدیث مبتلا شدن امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابتلائات بنی اسرائیل از کتب متعدد هر یک از دو کتب و نظرات دانشمندان پیرامون این روایات بهره می گیرد.[□]

۵- تضعیف راوی و روایت با نشان دادن تطور روایت وی برای تضعیف یک راوی و روایت، روایات را ذکر کرده و سپس همان روایت را با روایاتی که از طریق دیگر نقل و به صورت متواتر نقل شده، مقایسه می کند و تصرفات راوی یا کذب و جعل روایت را آشکار می کند که این بحث تسمیه یا عدم تسمیه در نماز به خوبی مشهود است. و یا نمونه دیگر روایات اختلاف قرآن است.[□]

۶- بهره گیری از سامانه ویژه در عرصه بازیابی احادیث

علامه در عرصه بررسی اصطلاحات قرآن و نیز احادیث سامانه زیر را در نظر دارد و به نوعی شاید از ویژگی های علامه به شمار رود.

۱- با صبر و دقتی شایسته موارد اختلاف یا محل نزاع را بیان می کند.

۲- مفردات و اصطلاحات موجود در برخی روایات را توضیح می دهد.

۳- شرح حال و ترجمه روایان را هر کجا که نیاز بداند می آورد.

۴- پس از مقایسه اخبار و بررسی سندی و دلالی برداشت و نتیجه صحیح را تبیین می کند.

این مسأله یک امر شایع در کتاب است که شاید یکی از علل اطناب موجود در القرآن الکریم و روایات المدرستین باشد لذا اگر ایشان این برخی از این موارد را به صورت پاورقی می آورد نه حجم کتاب به سه جلد می رسید و نه خواننده از خواندن کتاب زده می شد.

۷- توجه به ملاکهای عمومی شناسایی اخبار ساختگی

علامه در بررسی ویژگی جامعه اسلامی در دوره متعدد به زمینه های جعل خبر توجه داشته و آنها را گوشزد کرده و نیز در عرصه پژوهش و بررسی خود از آن بهره جسته است که در این زمینه می توان به برخی موارد به صورت گذرا اشاره کرد.

۱- روایات مدح قبایل

۲- توجه به مصالح عالیه صاحبان قدرت

۳- زندیق بودن و...

۴- رکاکت لفظ و معنا

۵- وجود نشانه های تعصب در گزارش

□ - همان، ج 2، ص 32- 23

□ - همان، ص 61- 59

۶- تخریب اسلام و چهره صحابه

۷- توجه تاریخی قطعی[□]

۸- توجه به بررسی سندی و دلالی

وی معمولاً در کتاب در نقد اخبار اول به مصادر و مدارک مراجعه کرده و سپس به بررسی سندی می پردازد و بعد از آن به بررسی متن روایات می پردازد و بعد نتیجه گیری می کند این روش بویژه در جلد سوم کتاب به عنوان یک روش عمومی به کار رفته است.

۹- بررسی تطور معنوی مصطلحات اسلامی □ قرآنی

نویسنده برای روشن کردن یک حقیقت، گاه مفاهیم، اصطلاحات و واژه های قرآن را ریشه یابی کرده و معانی ؟؟؟ اصطلاحی آنها را کاویده و تغییراتی را که در طول زمان در معنای آنها ایجاد شده و باعث کج فهمی گردیده، نشان داده و آن گاه خطایی را که از این طریق، در تحلیل و نظر عالمان دینی، راه یافته نشان داده است وی در این زمینه حدود ۲۵ واژه و اصطلاح قرآنی را بررسی کرد که فهم هر کدام به گونه ای می تواند در بیان حقایق ناب اسلامی در حوزه مختلف علوم اسلامی اثر گذار باشد از جمله این اصطلاحات می توان به واژه های مصحف، قراءات، آیه و... اشاره کرد که در تبیین حقایق نقش ارزنده ای ایفا کرده اند.

۱۰- فرضیه سازی بر اساس حوادث تاریخی و تایید آن با قرآن و حدیث علامه در زمینه نظریه پردازی ید طولایی داشته، وی با توجه وقایع عصر پیامبر و عصر خلفا و منع خلفا از تدوین نشر و گسترش حدیث ایده وحی قرآنی- وحی بیانی را طراحی کرده و کارهای انجام شده توسط خلفا در عرصه قرآن را تجرید قرآن از تفسیر یا همان جداسازی و تفکیک وحی قرآن از وحی بیانی بخاطر ملاحظات سیاسی می داند.

۱۱- تحلیل مطالب بر اساس تطور تاریخی و بستر وقوع آنها علامه در زمینه عدم تحریف قرآن با کنکاش در ؟؟؟ تاریخی و حدیثی و با توجه به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیره متشرعه و در پایان این نتیجه را به دست می دهد که اصولاً با توجه به اهتمام پیامبر و صحابه تابعین و عموم مسلمانان تا قرن حاضر به قرآن کریم محال است گرد تحریف به زیاده و نقصان بر چهره قرآن نشسته باشد و آنچه هم که به این عنوان به قرآن نسبت داده شده یا خود محرف است یا ساخته حدیث پردازان و یا در فهم آن افراد به خطا رفته اند و نتوانسته اند مطلب را به درستی فهم کنند.

بعد از بحث روش اینک به صورت فهرست وار و اجمالی به برخی از نقاط قدرت و ضعف کتاب اشاره می کنیم.

نقاط قوت کتاب

۱- گستره منابع

نگاهی گذرا به کتاب نشان می دهد که مؤلف برای نگارش آن جستجوی فراوانی به عمل آورده و از کتاب لغت، تاریخ، انساب اعلام، تراجم، ادبیات، تفسیر، حدیث از عصر تدوین تا کنون بهره جسته است و در این عرصه هم به مکتب اهل بیت علیهم السلام و هم به مکتب خلفا و حتی گاه به کتب اهل کتاب و مستشرقان برای اثبات مطلب خود توجه داشته است.

دقت و توجه در کتاب به گونه ای است که آن را به یک منبع دست اول تبدیل کرده است.

۲- ارائه گزیده مطالب در پایان هر فصل

۳- ارائه نقشه و طرح تفصیلی کتاب

وی در ابتدا کتاب محورها و خطوط کلی کتاب را چنین ترسیم می کند
مباحث مقدماتی

۱- ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر جاهل

۲- تاریخ قرآن

۳- مصطلحات اسلامی □ قرآنی

بررسی تطبیقی روایات مکتب خلفا پیرامون قرآن کریم

۱- دلیل مشترک بین دو مکتب؛ بررسی تشابه امت اسلام با بنی اسرائیل

۲- روایات بسمله

۳- روایات جمع قرآن

۴- روایات اختلاف قرائت

۵- روایات نزول قرآن بر هفت حرف

۶- قراءات و قراء

۷- نسخ و انساء

۸- سود استفاده مستشرقین از روایات ضعیف و بی مایه

۹- پاسخگویی به شبهات

بررسی تطبیقی روایات مکتب اهل بیت و یا منسوب به آنها

۴- ذکر آیات قرآن مربوط به بحث در ابتدا هر فصل

۵- توجه به علوم قرآنی از منظر شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام

۶- نثر ساده و روان کتاب

۷- پرهیز از غرض ورزی و تعصب بی جا در عرصه پژوهش و نظر

۸- تلفیق مناسب علوم مختلف و بکارگیری مطلوب آنها در عرصه تقویت جایگاه قرآن که شاید این

مسأله مدیون شخصیت جامع علامه در عرصه علوم اسلامی باشد.

- ۹- بیان فرضیه ها و ایده ها نوین در عرصه قرآن، حدیث، تفسیر تاریخ اسلام و...
- ۱۰- تبیین درست و آزاد اندیشانه دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن کریم
- ۱۱- توجه به اندیشه وحدت اسلامی در عرصه علمی و عملی
- ۱۲- ضخامت و کرامت قلم در عرصه نقد و نظر و تحلیل وقایع تاریخی
- ۱۳- تنوع روشها در ارائه مطالب
- ۱۴- نگاه ژرف جامع و سه بعدی به قضایا
- ۱۵- ارائه نظریات جدید و مطلوب در عرصه بازآفرینی و پیرایش ساحت قرآن کریم از شبهات و خرافات
- ۱۶- ارجاع مناسب و رجوع به منابع دست اول
- نقاط ضعف کتاب
- ۱- وجود اطناب در برخی مباحث به گونه ای ذهن خواننده از مطلب اصلی دور می شود. هر چند به فهم عمیق مطلب کمک می کند.
- ۲- تکرار یک مطلب به صورت گسترده در چندین جا که می شد با ارجاع مطلب از قید تکرار برهد.
- ۳- نبودن فهرست ها و نمایه های مکمل برای کتاب
- ۴- ویرایش فنی متوسط بعنوان مثال در فونت می توانست از تنوع بیشتری برخوردار باشد.
- نتیجه (سخن آخر)
- علامه در این تحقیق که برای رد شبهه تحریف قرآن و دفاع از مکتب اهل بیت نوشته شده است مطالب و نظریات ارزنده زیر را عرضه می نمایند.
- ۱- جمع و نگارش قرآن کریم در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بوده است و بدین ترتیب ایشان قصد دارد ریشه مسافعی که درباره ۲۵ ساله بعد از رحلت مطرح است را قطع کرده تا نتواند دستاویزی برای تحریف قرآن کریم باشد.
- ۲- ایشان معتقد است که برخی اصطلاحات دچار تطور معنوی شده اند و معنای امروزی واژه با فضای زمان صحابه مقداری فرق دارد لذا در فهم حدیث و آیه باید بدان توجه شود تا تفسیر درستی از آندو بدست آید.
- ۳- وی اذعان می کند که سامانه آموزش قرآن پیامبر به صورت تلفیق تلاوت و تفسیر صورت می گرفته ولی کار خلفا پیرامون قرآن تجرید تلاوت از تفسیر بوده که به خاطر اغراض سیاسی صورت پذیرفته است.

- ۴- ایشان مسأله نسخ و انشاء در قرآن را به شدت رد می کند و معتقد است در قرآن کریم چنین چیزی اتفاق نیافتاده است بلکه نسخ و منسوخ در زمان پیامبر ابتدا در وحی بیانی مشکل می گرفت و در قرآن و وحی قرآن فقط گزارش آن آمده آنها بخاطر حکمتی که در بر دارد.
- ۵- ایشان با وجه معنای واژه اقراء در زمان پیامبر و صحابه اختلاف قراءات را قبول ندارد قرآن را مسأله ای می داند که زندیقان و کج فهمی برخی مسلمانان زمینه ساز آن شده است.
- ۶- وی همچون آقای خوئی روایات سبعة احرف را رد کرده و آنها را مضطرب و مجهول می داند که معنای محصلی به دست نمی دهد و افزون بر آن در بررسی دقیق و ارزشمند تناقض و نادرستی آنها را به تماشا می نشیند.
- ۷- وی در این تقسیم بندی کلی بر آن است که روایات که پیرامون قرآن کریم است و مایه بروز در دسرهایی شده است از سه ؟؟ بیرون نیست.
- ۱- دروغ هایی که زندیقان به عنوان روایت ساخته اند.
- ۲- روایاتی که به دروغ به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شده و سازندگانشان ناشناخته اند.
- ۳- روایاتی که در آنها اصطلاحات فنی قرآنی بکار رفته ولی به جهت تطور معنوی واژه در بستر زمان، معنای اصلی واژه ناشناخته اند و لذا مایه فهم نادرست روایات شده است.[□]
- ۸- وی به منظور دفاع از حریم قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام اذعان دارد که روایات شیعی که موهم تحریف قرآن است سه دسته اند.
- ۱- برخی را زندیقان با سوء نیت ساخته اند و بعد نمایان مثل بسیاری آنها را به منابع حدیثی منتقل کرده اند.
- ۲- برخی نیز سند ندارد و یا راوی مجهول است.
- ۳- برخی نیز تفسیر با متن کلام امام در آمیخته است.
- ۹- اهل کتاب و مشتشرقان همسو با زندیقان و غالیان از ابتدای ظهور اسلام و بویژه بعد از رحلت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در عرصه شبهه افکنی پیرامون قرآن کوشیده اند که آتش تهیه آنها روایات نامفهوم ضعیف جعلی و ساختگی معمور است که از ارزش علمی برخوردار نیست.